



﴿ قیمت اشتراك سالانه ﴾	﴿ فاذا نفيح في الصور فلا انساب دينهم ﴾	﴿ مدير ميرزا قاسم خان تبریزی ﴾
طهران دوازده (۱۲) قران	هنگی سیاسی تاریخی اخلاقی . مقالات	﴿ عنوان مراسلات ﴾
سایر بلاد ایران هفده (۱۷) قران	ولوایی که موافقت با مسلک ماداشته باشد با	﴿ طهران خبایان علاء الدوله ﴾
مسالك خارجه دو (۲) تومان	امضا پذیرفته میشود در طبع وعدم طبع اداره	﴿ محاذی مهمانخانه مرکزی ﴾
﴿ قیمت يك نمره ﴾	مختار است یا کتبهای بدون امبر قبول نخواهد شد	﴿ نجشیه ۲۶ رجب ۱۳۲۵ هجری ﴾
طهران چهار (۴) شاهي	﴿ وجه آئونه از مرکز و از مرجعه دستا گرفته میشود ﴾	﴿ ۲۲ فروردین ماه سال ۱۲۷۷ بزرگدیدی پارسی ﴾
سایر بلاد ایران پنج (۵) شاهي		﴿ ۵ سپتامبر ۱۹۰۷ میلادی ﴾

مزیله اوهام و خرافات در نایشگاه دنیاست ، اما بنا بقیده آنها که بشان و رتبه انسانیت احمق میکذارند و اقلاً باندک امتیازی ما بین انسان و خراطین قائلند ، نقطه عزیمت انسان از رتبه جناد هم که باشد مقصد و منتها و کمال او بلا شك متصل به سقع واجب ، ناحیه قدس و علم تا منتهای الهی است برای کمال آدمیت نه عقاید سقراط ، نه افکار ارسطو و نه معلومات (اسپنسر) و (کانت) سرحد نمیتواند شد . انسانیت بهر درجه از درجات کمال که برسد باز دیوار جهل حد و سد ترقی آن نمیتواند ، ترقی سیر بشری از هر مرتبه عالی و مقام منبع ممکن است و امتناع عقلی ندارد ، « این حرف مخالف عقاید ماست یا چرا ایستور شد . » انکار محسوسات و مخالفت با خواسته های ازلی خدایست ، اعم از تصدیق و تکذیب عقلای مندرسه ایران

آیا برای کمال و ترقی بشری سرحدی هست ؟ آیا در مرتبه از مراتب کمال انسان متوقف میشود ؟ آیا میتوان گفت خط سیر فرزند آدم بفلان نقطه منتهی خواهد شد ؟ موافق عقاید کهنه پرستان مملکت یعنی آن دسته از مردم که اوهام آباء کرام خود را به درجه از کثافت که باشد دو دستی چسبیده و حفظ آنرا از وظایف مقدسه خود میشمارند نقطه عزیمت انسان چند سال پیش از بعب این قحطان با تسخیر و تصرف رومه های گوسفند و شتر و خانه بردوشی ایلات و قبائل نواحی بین النهرین شروع شده و بکسالت ، قبلی بر روی ، و بیماری کنونی ایران منتهی میشود ، مقصود قدرت کلبه از اختراع ابن آخرین شاهکار کارخانه هستی ، خلقت اشرف مخلوقات ، ایجاد مسجود ملائک ، و ابداع مصادیق (انا خلقنا الانسان فی احسن التقویم) فقط عرض یک جنگل هرج و مرج و یک

بحکم حس برای ترقی بشری همه مدارج کالبه او هیچ مانعی در عالم خلقت نیست ، بلکه تمام آلات و اسباب کمال و ترقی در انسان موجود و مایل به تکمیل نفس در تمام افراد این هبت طبیعی است ،

اعانت و کمک هیچ یاد شاه رحمت پرور ، هدایت و راهنمایی هیچ مقتدی الانام و ارشاد و همت هیچ پیر طریقت بقدر يك خردل در همه و مدارك لوازم ترقی و کمال بشری معنی نخواهد داشت ،

فقط واگذار دن انسان را بخود او برای پیروی طریق ترقی خود و یافتن راه کمال نفس کافی است ،

شما خواهشی که از هر رئیس روحانی و جسمانی باید کرد این است که ، بعد از این لازم نیست نه به زور و جوب نه با تهنیم استدلال ، و نه بتزایانه طریقت کمال منتظره ما را بما معرفی فرمائید ، شما فقط اجازه بدهید که ما در تمیز و تشخیص کمال خودمان بشخصه مختار باشیم ، و بعد از آن هم قدغن فرمائید که هوا خواهان ترقی ملت طریق و راه آن را بروی ما سد نکنند ،

معنی کلمه جدید آزادی که تمام انبیا حکما و علمای دنیا مستقیم و غیر مستقیم برای تکمیل معنی آن کوشیده اند و ما تازه با هزار تردید و لکننت اسم آن را اثریان جاری میکنیم همین است که مدعیان تولیت قبرستان ایران کمال انسان را بمرئی های حکیمانه خودشان محدود نکرده و اجازه فرمایند نوع بشر بهمان وسائل خلقی در تشخیص کمال و پیروی آن بدون هیچ دغدغه خاطر ساعی باشند معنی کلمه آزادی که قرنهاست در تحصیل آن سبهای خون در پستهای و بلندیهای دنیا جاریست فقط تحصیل چنین اجازه ای استرداد همین حق طلق و ملك خالص الملئکة بشری است ،

بی تحصیل این حق تمیز شخصیت انسان امکان ندارد ،

بی تحصیل این حق اعمال و افعال هیچکس اعمال و افعال شخصی او نخواهد بود ،

بی تحصیل این حق انسان بشناسائی نفس خود قادر نمیشود ،

بی تحصیل این حق توسعه افکار و ترقی جسمانی و

عقلانی انسان ممتنع است ،
بی تحصیل این حق طرق تمام ترقیبات متصوره بروی انسان مسدود است ،

بی تحصیل این حق انسان ملولب الاختیار و از آن رود و اعمال و افعال صادره خود مورد تقبیح و تحسین نتواند شد ،

بی تحصیل این حق انسان از درجه العالییت نازل کرده از لوازم اساسه آقائی بزرگان و در ردیف مایل و اسب و استر روسای دنیا است ،

انسان فقط بعد از تحصیل این حق یعنی بعد از بدست آوردن آزادی میتواند خود را آدم شمرده ، اعمال و افعال خود را نسبت بخود داده ، و بجد و جهد شخصی ، و با کار انداختن لطائف تکمیل ، خود را بیالاترین رتبه وجود ، و آنچهها که هنوز عقل امروزی دنیا قصور دارد برساند ،

« معنی آزادی که منشأ این همه اثرات شبیه بمجزمه میشود چیست ؟ »

آزادی رفتار نمودن انسان است در تمام امور مشروعه خود بخود دلخواه ،

« آیاسرحدی برای این رفتار دلخواه هست ، سرحد این رفتار دلخواه شما آزادی دیگران است ، ستور تصرفات کبف مایشا هر کس در امور مشروعه خود فقط تنور تصرفات کبف مایشا دیگران در امور مشروعه خودشان میباشد ، یعنی سرحد این آزادی تا آنچه منبسط میشود که به آزادی دیگران صدمه نرساند ، حدود آزادی هر فرد هبت دیوار حق آزادی فرد دیگر است ،

« این چه حرف و مطلب تازه اینست که نه بزرگان دین مانه اولبای دولت ما و نه یکی از مؤابن عالم اسلامی يك گله از آن مذا کره نکرده اند ؟ ! »

این سؤال شما ناشی از عدم اطلاع شما از حقایق دین مبین خودتان است ، همین يك کلمه متفقه حکما و علمای اسلام که انسان فاعل مختار است معنی هان آزادی طبیعی است که با انسان تولد میشود ، و کتاب آسمانی ما که قرآن است و تمام مسائل و دواین فقه علمای اسلام برای تعیین حدود آزادی است ،

« هذه كلمة حق و صيحة في داد ، ان ذهبت اليوم مع
الريح لقد تذهب غداً بالواتاد » ،

تمام علمای ایران معتقدند که زمین ساکن است ،
من يك نفر مهل دارم بگویم زمین متحرك است ،
همه (گرامر) زبان فرانسه میخوانند ، من
میخواهم صرف و نحو زبان عرب تحصیل کنم ،
بدر من مستوفی بوده ، من مائلم سرباز داو طلب
وطن باشم ،

رفقای من همه رای داده اند که آقا سید محمد تقی
و آقا سید حسین و کبیل مجلس شوری باشند ، من
مشیرالمملک و احتشام السلطنه را انتخاب میکنم ، همه
برادران من نسبت بسیدیکر نیات حسنه دارند ، من نا
آن حد که در خارج آری از آن ظاهر نشود نسبت باها مقصد
سپه دارم ، هموطنان من میگویند که جریل جسمی کشف
و مانند کبوتر پروبال داشته ، من میگویم موافق کریمه (نزل
به الروح الامین علی فابک) کبوتر در قلب یاک خواجه
لولاک راه ندارد ،

تمام این افعال و اقوال و عقاید من چون مؤدی
فساد یعنی تصرف و غصب حقوق و آزادی دیگری
نیست از لوازم انسانیت و فاعل مختار بودن من است ،
و هیچ آقای ملاذالاسلام و پادشاه دین پناهی حق دخالت
در آن نخواهد داشت ،

« با اینکه تمام این حرفهای شهابدلبلهای عقلی و نقلی
بابت و مبرهن است ما کهنه پرستها باز از عقاید مندرسه
خود دست بر نمیداریم و ابتدا میلی به پذیرائی لاطائلات
شما نداریم »

اگر همه اهل ایران هم با شما آقایان کهنه پرست هم
عقیده باشند جمعیتتان بالغ بر سی کرو ر نفر نخواهد شد
، سه هزار و یکصد کرور آدمهای دنیا که تمام با عقاید
ما شریکند شما را خواه و نا خواه مجبور بقبول این
اصول مسلمه خواهند کرد ، و چون با انکار ظاهر
خودتان در حقیقت شما با سایر آدمهای دنیا در خاصه
آدمیت هم عرضید عنقریب سبیل این خیالات تازه اراضی
مقدسه شما را یا بهمت خودتان و یا بدبختانه باجبار دیگران
گرفته لوٹ این اوهام و خرافات مندرسه شما را از روی زمین
خواهد شست ،

یکی از آدمیان مشرق زمین در همین موقع اینطور
میگوید ،